

«آزادی اندیشه، همیشه، همیشه»

حمید اکبری

نقدی بر ترور اندیشه در جهت به کرسی نشاندن رهبریت آقای رضا پهلوی
من با تو مخالفم، ولی حاضرم جانم را بدهم که تو حرفت را بزنی» (ولتر)»

من در دی ماه ۱۳۵۷ بیداری سیاسی خود را با مردی [۱] یافتم که مخالف ترور
اندیشه بود. در دهه هفتاد خورشیدی، وقتی که دانشجویان دانشگاه تهران فریاد
می‌زدند: «آزادی اندیشه، همیشه، همیشه» [۲]، غوطه‌ور در اهمیت این نکته شدم
که نظام‌ها و نیز جامعه‌های تمامیت‌خواه (توتالیتیر) با آنچه مخالف هستند، فقط
آزادی بیان نیست، بل در پایه آن، ضدیت با آزادی اندیشه است. یعنی اگر تو
جرات کنی که دگراندیش باشی، می‌خواهند که با ایجاد جو ترور، آزادی اندیشه‌ات
را در نطفه خفه کنند تا راه را برای بردگی سیاسی و اجتماعی‌ات هموار سازند.
پس اگر خمینی در پیش و پس از انقلاب می‌گفت: همه چیز برای نجات و
سرکردگی «اسلام عزیز» و حکومت دینی ملایان است، تو دیگر جرات نکنی
بگویی که «من اول انسانم، بعد ایرانیم و بعد مسلمانم!» [۳] یا شاید بگویی که من
!اول انسانم، بعد ایرانیم و دیگر مسلمان هم نیستم

و در متن چنین جو ترور دهشتناک اندیشه در دهه نخست پس از انقلاب بود که
سلطنت‌طلبی که هیچ، حتی اگر می‌گفتی که طرفدار بختیار (که مصدقی بود)
هستی، می‌گفتند، تو خائن، بورژوا و سلطنت‌طلبی و در کوچه سیده پاریس ضرب
و شتم‌ات می‌کردند [۴]. و آنگاه که شعار «ایران-رجوی، رجوی-ایران» سر
می‌دادند، مجالت نمی‌دادند که بگویی ایران مساوی رجوی نیست. آنگاه نوبت به
جو ترور اندیشه به‌وسیله اصلاح‌طلبان جمهوری اسلامی و استحاله‌طلبان خارج
کشور رسید که با جانبداری از اصلاحات رفسنجانی آغاز شد و با دوم‌خردادی‌ها
و خاتمیون به اوج رسید؛ جرات داشتی اگر در آن جو خاتمی‌پرستی می‌گفتی که
خاتمی جزو نظام است. (بخود من گفتند برو مصدق را زنده کن تا جای خاتمی را
بگیرد، یعنی خفه شو و چیزی در مخالفت با خاتمی نگو). حال داستان جنبش
سبز [۵] و شعار «یا حسین، میرحسین» و چهار سال پس از آن، رای دادن به

حسن “کلید” روحانی بماند که خودش حکایت دیگری از جوهای ترور اندیشه‌ای
!بود که اگر با این‌ها موافق نیستی، پس موافق جنگ و تحریمی

تا رسیده‌ایم به امروز که بار دیگر فضای سیاسی ضد حکومت استبداد اسلامی
آخوندها مملو از آدم‌هایی که شده است که آگاهانه یا ناآگاهانه به جو ترور اندیشه
جدیدی در میان مخالفان حکومت اسلامی دامن می‌زنند. این آدم‌ها که برخی تا
دیروز دم از دموکراسی می‌زدند، امروز به نام یگانگی برای نجات ایران، هر
آنکس را که مخالف فراخوان اتحاد سوم ژوئن ۲۰۲۲ آقای رضا پهلوی باشد، با
چنین لقب‌ها و حرف‌ها ترور اندیشه می‌کنند

پنجاه و هفتی: “انگار خودشان از مادر (بزرگ) و پدر (بزرگ) پنجاه و “ (۱)
هفتی زاده نشده‌اند، خب اگر با پنجاه و هفتی مخالفی، اول برو سراغ مادر
(بزرگ) و پدر (بزرگ) خودت – بعد هم بپرس که چرا خود اعلیحضرت به
عنوان مهمترین پنجاه و هفتی، نطق معروف: “منهم صدای انقلاب شما را
شنیدم” [۶] را کرد؛ یا اینکه چرا صدها هزار سلطنت‌طلب و خود شاه پیش از ۲۲
بهمن ایران را ترک کردند و بختیار مشروطه‌خواه را تنها گذاشتند. شاهزاده رضا
پهلوی که خیلی زودتر ایران را ترک کرده بود

در پائیز ۱۳۵۷، برای نجات کشور از خمینی و آخوندها، دکتر غلامحسین (
صدیقی که نایب نخست‌وزیر و وزیر کشور دولت دوم دکتر مصدق بود، بنابر
درخواست شاه، با او وارد مذاکره جهت تشکیل یک دولت ملی شد. یکی از
شرایط پذیرفتن نخست‌وزیری به وسیله دکتر صدیقی، ماندن شاه در ایران – در
جزیره کیش – با هدف رویارویی با خمینی با نگهداری قوام ارتش بود. افسوس
که شاه نپذیرفت که در ایران بماند و ارتش هم بنابر پیش‌بینی دکتر صدیقی با
(اعلام بی‌طرفی از هم پاشید

می‌گویند اگر با دموکراسی برای ایران موافقید، رضا پهلوی هم که چیزی جز (۲)
این نمی‌گوید، چرا با او مخالفت می‌کنید: انگار “رضا پهلوی” خود مترداف
“دموکراسی” است

رضا پهلوی و مجذوب شدگانش در رسانه‌های اجتماعی می‌گویند هر کس با (۳) اتحاد (یعنی بخوانید اتحاد کردن با رضا پهلوی) مخالف است، خودش بخشی از مشکل است: انگار معنای دیگر کلمه "اتحاد"، "رضا پهلوی" است

می‌گویند که من خودم جمهوری‌خواه بودم یا هنوز هستم (!)، ولی الان وقتشه (۴) که برای نجات مملکت یا رهبری رضا پهلوی را قبول کنی یا سکوت کنی وگرنه ایران نابود می‌شود! انگار جمهوری‌خواهی مساوی با طرفداری از کسی است که در آبان ۱۳۵۹ سوگند پادشاهی خورده است، یعنی جمهوری خواهی مساوی پادشاهی خواهی است! یا اینکه اینها هستند که پیشگوی سرنوشت ایران آنهم با استناد به رهبری رضا پهلوی هستند

می‌گویند: بدون رهبری رژیم سقوط نمی‌کند و الان رهبر مطرح شاهزاده (۵) رضا پهلوی است: یادم است که دو دسته "انقلابیون" در سال پنجاه و هفت به تناوب این شعار را سر می‌دادند: دسته اول: «جاوید شاه، جاوید شاه»، دسته دوم: «کدوم شاه؟» دسته اول: «شاه نجف، خمینی!» اکنون دوباره کار به «جاوید شاه» رسیده است!

باری ممنون از رسانه «من‌وتو» که بیش از یک دهه است که با خرج صدها میلیون دلار با منبع مالی نامشخص و پخش مستندهای تبلیغاتی درباره رضا شاه و خاندان پهلوی، به پرورش این سراب دامن زده است که ایران دوره پهلوی "بهشتی" بود که بنابر روایت کتاب آندرو اسکات کوپر، با انقلاب به‌وسیله کارتر و پنجاه و هفتی‌ها به ورطه "سقوط" کشیده شد و به وسیله پنجاه و هفتی‌ها - نه به‌وسیله خمینی و دارودسته‌اش - مبدل به "دوزخ" شد. و باز هم ممنون از شبکه‌های من‌وتو، بی‌بی‌سی، صدای آمریکا، ایران اینترنشنال و... که در اوج "بی‌طرفی!" پوشش همزمان به سخنانی رضا پهلوی دادند تا مردم رهبر داشتن را مزه مزه کنند

بسیار خوب، تو رهبری رضا پهلوی را پذیرفته‌ای! دیگر چرا می‌خواهی زور و ارباب کنی که منم رهبری او را بپذیرم؟! این است تعریف از دموکراسی؟ و اگر نخواهم که رهبری رضا پهلوی را بپذیرم، بگویی که من نه تنها اپوزیسیون نیستم بلکه خواهان ادامه جمهوری اسلامی هستم! در واقع یکی از موجبات

اصلی، اگر نه اصلی‌ترین دلیل، روی کار آمدن جمهوری اسلامی، همانا سلطنت استبدادی و مطلقه محمدرضا شاه بود. عنوان نکردن اشتباهات بزرگ و کوچک محمدرضا شاه در ایجاد انقلاب ۵۷ و تنها انگشت گذاردن روی اشتباهات روشنفکران در انقلاب که به واقع اشتباهات مهیبی - از جمله اتحاد با خمینی چون تنها رهبر مطرح بود - داشتند، خود دلیل دیگری از بیمناکی ژرف نسبت به موج رهبری بخشیدن به پسر شاه فقید است

آری، این حق هر کسی است که طرفدار هر نظام، گروه یا رهبری باشد که می‌خواهد. ولی این حق دیگران هم هست که بگویند، من طرفدار آن نظام، گروه یا رهبری که تو می‌خواهی، نیستم. منطقی است که یک جمهوری خواه نمی‌تواند رهبری رضا پهلوی به عنوان نماد زنده پادشاهی سلسله استبدادی پهلوی را، ولو خودش دموکرات باشد را - در یک اتحاد سیاسی بپذیرد. منظور از جمهوری خواهی نیز جانبداری از چند سازمان مشخص جمهوری خواه نیست. منظور از جمهوری خواهی برای ایران به معنای طیف گسترده آن است که مخالفت آشتی‌ناپذیر با جمهوری اسلامی آخوندها دارد، و سالهاست که مرامش با شعار "استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی" به وسیله تظاهرکنندگان در سراسر ایران پژواک یافته است. چنان جمهوری ایرانی مدنظر است که در آن همه نیروهای سیاسی، از جمله سلطنت‌طلبان نیز بتوانند در کمال آزادی و بدون ترس از ترور اندیشه، نظرات سیاسی خود را مطرح کنند

غیرقابل‌انکار است که جریان جمهوری خواه مبتنی بر دموکراسی خواهی به صورتی گسترده و قوی در میان ایرانیان داخل و خارج موجود و پویاست. از این روی، به نگرش این نگارنده، آقای رضا پهلوی می‌تواند بخشی از راهکار جمهوری خواهی در ایران بشود اگر ایشان

به صورت شفاف و با عنوان موارد مشخص، اشتباهات پدر و پدر بزرگش را در زیر گذاردن قانون اساسی مشروطه بر شمارد

از زندانیان سیاسی هنوز زنده دوران سلطنت محمدرضا شاه و از خانواده - قربانیان شکنجه شده یا به قتل رسیده به وسیله ساواک دلجویی کند. بابت اعدام زندانیان سیاسی از جمله اعدام وزیر امور خارجه دولت ملی ایران، دکتر حسین

فاطمی، و از کودتا علیه دکتر مصدق و اسیر کردن او برای ۱۳ سال تا مرگش، از جانب خانواده سلطنتی پوزش‌خواهی کند

یک حسابرسی مالی بی‌طرفانه در باره ثروت خانواده‌اش که از خزانه دولت - ایران در دوره زمامداری پدرش حاصل شده و سپس از ایران خارج شده است را به ملت ایران - نه به حکومت آخوندها - باز پس دهد. هیچ رهبر سیاسی بدون شفافیت منابع مالی و ثروتش نمی‌تواند مورد اعتماد باشد

و سرانجام شفاف بگوید که آیا به سوگند پادشاهی خود در آبان ماه ۱۳۵۹، همچنان وفادار است یا نه. [۷] اگر سوگندش هنوز بر جاست که تکلیف روشن است. ولی اگر رضا پهلوی شفاف بگوید که سوگندش را نقض کرده است، آنگاه به نظر این نگارنده، پیش زمینه یکپارچگی ایرانیان دموکرات برای مبارزه جهت سرنگونی نظام اسلامی و با هدف استقرار یک حکومت دموکراسی دادگر و جوابگو به ملت، و مبتنی بر منشور جهانی حقوق بشر و جدایی دین از دولت، فراهم می‌شود. من به عنوان یک ایرانی مصدقی جمهوری‌خواه متعهد می‌شوم که در صورت چنین رویدادی بدون هیچ گونه حب و بغضی در کنار شاهزاده رضا پهلوی در یک جبهه یگانه ملی برای استقرار حکومت دموکراتیک و چند صدایی که هیچ تبعیضی بنابر باور سیاسی یا دینی و غیر دینی، قومیت، جنسیت و تمایل جنسی ایرانیان نداشته باشد، قرار گیرم

تا امروز و پس از آن من به اندیشه مخالفان صلح‌آمیز و دموکراتیک خود احترام می‌گذارم و همواره خواهم گفت

نه به ترور اندیشه،

و آری به آزادی اندیشه، همیشه، همیشه

۱. عطف به آخرین نخست‌وزیر مشروطه ایران، دکتر شاپور بختیار، است.

۲. نگاه کنید به نوشته دیگر من در این زمینه: میراث سیاسی مصدق و نهر و برای جهان امروز: آزادی اندیشه و بیان، همیشه همیشه

عطف به سخنان دکتر شاپور بختیار است. نگاه کنید به نوشته دیگر من در ۳. این زمینه: «من اول انسانم، بعد ایرانیم و بعد مسلمانم»: جاذبه‌های دکتر شاپور بختیار

۴. اشاره به ضرب‌وشتم اعضای جوانان “نهضت مقاومت ملی”، سازمان سیاسی دکتر بختیار، به وسیله سایر مخالفان چپ‌گرای حکومت اسلامی در سال ۱۹۸۳ در کوچه سیته پاریس است. جوانان “نهضت مقاومت ملی” برای معرفی سازمان و پخش نشریات خود و تبادل نظر صلح‌آمیز با سایر مخالفان به کوچه سیته پاریس رفته بودند که مورد یورش قرار گرفتند. بر اثر جراحات وارده برخی از اعضا راهی بیمارستان شدند

جنبش سبز دو گونه بود. یک گونه آن ذوب شده در میرحسین موسوی و ۵. اصلاح‌طلبان حکومتی بود و گونه بسی گسترده‌تر از آن جنبش آزادیخواهان مخالف حکومت اسلامی بود که از گونه اولی به عنوان چتر محافظت برای پیشبرد اهداف خود که زدودن حکومت اسلامی است، استفاده می‌کرد. جو ترور اندیشه به‌ویژه ضد‌آنجایی بود که با گونه بزرگتر جنبش سبز، یعنی جنبش مردم ایران برای رهایی از حکومت آخوندی، همدل بودند

این است متن سخنرانی ۱۴ آبان ۱۳۵۷ “منهم صدای انقلاب شما را شنیدم” ۶. محمد رضا شاه پهلوی (به نقل از سایت پارسینه)

ملت عزیز ایران! در فضای باز سیاسی که از دو سال پیش به تدریج ایجاد می‌شد، شما ملت ایران علیه ظلم و فساد بپا خواستید. انقلاب ملت ایران نمیتواند مورد تایید من بعنوان پادشاه ایران و بعنوان یک فرد ایرانی نباشد متأسفانه در کنار این انقلاب دسیسه و سوء استفاده دیگران از احساسات و خشم شما، آشوب و هرج و مرج و شورش نیز بار آورد. موج اعتصابها نیز که بسیاری از آنها بر حق بوده اخیراً ماهیت و جهت یافت تا چرخهای اقتصاد مملکت و زندگی روزمره مردم تلف شود و حتی جریان نفت که زندگی مملکت به آن بستگی دارد، قطع گردد، تا عبور و مرور روزانه و تامین مایحتاج زندگی مردم نیز تعطیل شود. ناامنی، اغتشاش و شورش و کشتار در بسیاری از نقاط

میهن مان بجایی رسیده است که استقلال مملکت را در خطر انداخته است. وقایع اسفباری که پایتخت را دیروز به آتش کشید، برای مردم و مملکت دیگر قابل ادامه و تحمل نیست. در پی استعفای دولت و برای جلوگیری از اضمحلال مملکت و از بین رفتن وحدت ملی، برای جلوگیری از سقوط و هرج و مرج و آشوب و کشتار، و بمنظور برقراری حکومت قانون و ایجاد نظم و آرامش، تمام کوشش خود را در تشکیل یک دولت ائتلافی مبذول داشتم و فقط هنگامی که معلوم شد که امکان انجام این ائتلاف نیست، بناچار یک دولت موقت را تعیین کردیم

من آگاهم که بنام جلوگیری از آشوب و هرج و مرج این امکان وجود دارد که اشتباهات گذشته و فشار اختناق تکرار شود. من آگاهم که ممکن است بعضی احساس کنند که بنام مصالح و پیشرفت مملکت و با ایجاد فشار این خطر وجود دارد که سازش نا مقدس فساد مالی و فساد سیاسی تکرار شود و اما من بنام پادشاه شما که سوگند خورده ام که تمامیت ارضی مملکت، وحدت ملی و مذهب شیعه اثنی عشری را حفظ کنم، بار دیگر در برابر ملت ایران سوگند خود را تکرار می‌کنم و متعهد می‌شوم که خطاهای گذشته هرگز تکرار نشود، بلکه خطاها از هر جهت نیز جبران گردد. متعهد می‌شوم که پس از برقراری نظم و آرامش در اسرع وقت یک دولت ملی برای آزادیهای اساسی و انجام انتخابات آزاد، تعیین شود تا قانون اساسی که خونبهای انقلاب مشروطیت است بصورت کامل به مرحله اجرا در آید، من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم

من حافظ سلطنت مشروطه که موهبتی است الهی که از طرف ملت به پادشاه تفویض شده است هستم و آنچه را که شما برای بدست آوردنش قربانی داده اید، تضمین می‌کنم، که حکومت ایران در آینده بر اساس قانون اساسی، عدالت اجتماعی و اراده ملی و بدور از استبداد و ظلم و فساد خواهد بود. در وضع فعلی برقراری نظم و آرامش برای جلوگیری از سقوط و اضمحلال ایران وظیفه اصلی نیروهای مسلح شاهنشاهی است که همیشه با حفظ ماهیت ملی خود متکی بر ملت ایران و وفادار بسوگندهای خود بوده و هست، باید با همکاری شما هموطنان عزیز این نظم و آرامش هرچه زودتر برقرار شود تا دولت ملی بعدی که استقرار و آزادی‌ها، اجرای اصلاحات و بخصوص برقراری انتخابات آزاد را بر عهده

خواهد داشت در اسرع وقت کار خود را شروع کند. من و شما در این سی چند سال وقایع حساسی را دیدهایم و خطرات بسیار را پشت سر گذاشته ایم، امیدوارم در این لحظات حساس و خطیر و سرنوشت ساز، خداوند بزرگ ما را مشمول عنایات خود فرماید، تا بتوانیم در کنار هم به هدفهای اصلی که آسایش و رفاه و آزادی و سربلندی و ایران و ایرانی است برسیم

من اینجا از آیات عظام و علمای اعلام که رهبران روحانی و مذهبی جامعه و پاسداران اسلامی و بخصوص مذاهب شیعه هستند، تقاضا دارم تا با راهنمایی‌های خود و دعوت مردم به آرامش و نظم برای حفظ تنها کشور شیعه جهان بکوشند. من از رهبران فکری جوانان میخواهم تا با دعوت آنان به آرامش و نظم، راه مبارزه اصولی برای برقراری یک دموکراسی واقعی را همورا کنند. من از شما پدران و مادران ایرانی که مانند من نگران آینده ایران و فرزندان خود هستید می‌خواه که با راهنمایی‌های آنان مانع شوید تا از راه شور و احساسات در آشوب و اغتشاش شرکت کنند، و بخود و به میهنشان لطمه وارد سازند

من از شما جوانان و نوجوانان که آینده ایران متعلق به شماست، میخواهم تا میهنمان را بخون و آتش نکشید و به امروز و خود و فردای ایران ضرر نزنید. من از شما رهبران سیاسی جامعه می‌خواهم تا بدور از اختلاف‌های عقیدتی و با توجه به موقعیت تاریخی حساس و استثنایی کشورمان، نیروهای خود را برای نجات میهن بکار برید

من از همه شما کارگران و کارکنان و دهقانان که با کوشش‌های خود چرخ‌های اقتصادی کشور را به حرکت در می‌آوردند می‌خواهم، تا با فعالیت هر چه بیشتر در حفظ و احیای اقتصادی کشور بکوشید

من از همه شما هموطنان عزیزم می‌خواهم تا به ایران فکر کنید. همه به ایران فکر کنیم. در این لحظات تاریخی بگذارید همه با هم به ایران فکر کنیم. بدانید که در راه انقلاب ملت ایران علیه استعمار، ظلم و فساد من در کنار شما هستم. و برای حفظ تمامیت ارضی وحدت ملی، و حفظ شعائر اسلامی و برقراری آزادیهای اساسی و پیروزی و تحقق خواستها و آرمانهای ملت ایران همراه شما خواهم بود

امیدوارم در روزهای خطیری که در پیش داریم، خداوند متعال ما را مورد عنایت و لطف خود قرار داده و همواره موید و حافظ ملک و ملت ایران باشد. انشاء الله
«تعالی»

برای شنیدن این سوگند به این پیوند/لینک بروید. بر اساس این سوگند، آقای ۷.
رضا پهلوی خود را پادشاه قانونی ایران اعلام می‌کند